

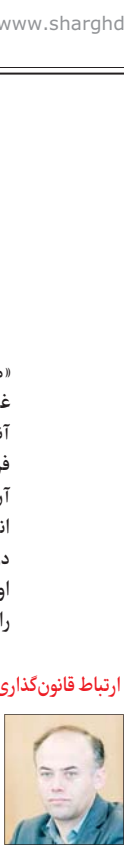
یادداشت

سونامی موتور سیکلت‌ها در راه است

دانبال شلتوکی ریزی

پژوهشگر،دکترای شهرسازی

در دنیای شهرها چه خبر است؟ کدام کشورها پناهگاه موتورسیکلت‌های بنزینی شده‌اند؟ شهرهای ایران به کدام سمت حمل‌ونقلی می‌روند؟ آینده شهرها با موتورسیکلت و بدون موتورسیکلت بنزینی چگونه تصور می‌شود؟ چگونه از سونامی موتورسیکلت‌ها جان سالم به در ببریم؟ برای آغاز مهم است بدانیم وضعیت موتورسیکلت‌ها در کشورهای مختلف جهان چگونه است. هند بزرگ‌ترین تولیدکننده موتورسیکلت در جهان و بزرگ‌ترین مصرف‌کننده موتورسیکلت دنیاست. تخمین‌ها رقم صد میلیون راکب موتورسیکلت را برای هند در نظر گرفته‌اند. البته با توجه به اینکه بسیاری از موتورسیکلت‌ها در هند بدون پلاک هستند، ممکن است آمار بسیار بیشتر از این تعداد باشد. در رتبه دوم بیشترین تعداد موتورسیکلت، چین قرار دارد. در چین حدود ۹۰ میلیون موتورسیکلت تردد می‌کند. یکی از دلایلی که چین تعداد کمتری موتورسیکلت نسبت به هند دارد شاید مقررات زیست‌محیطی سخت‌گیرانه‌اش باشد. در آمار موتورسیکلت دنیا، اندونزی نمونه جالبی است. اگرچه از نظر تعداد، اندونزی در رتبه سوم قرار دارد، ولی از نظر ضریب نفوذ نسبت بسیار بالایی دارد. طبق برآوردها، ۸۵ درصد خانواده‌های اندونزیایی حداقل یک موتورسیکلت دارند و در کل حدود ۸۰ میلیون موتورسیکلت در اندونزی تردد می‌کند. درحالی‌که کل جمعیت اندونزی ۲۷۰ میلیون نفر است. ویتنام با ۴۵ میلیون و تایلند با ۱۸ میلیون دستگام در رتبه‌های چهارم و پنجم آمار موتورسیکلت دنیا قرار دارند. آمار موتورسیکلت‌های موجود در دنیا حدود ۲۰۰ میلیون دستگانه است که در مقایسه با آمار خودروها تقریبا یک‌سوم است؛ به این معنی که در مقابل یک میلیارد خودرو در جهان ۳۰۰ میلیون موتورسیکلت داریم. موتورسیکلت‌ها در بسیاری از شهرهای جهان، به‌ویژه در کشورهای درحال‌توسعه، یکی از بزرگ‌ترین بحران‌های آشکار و پنهان شهری به شمار می‌روند. این بحران معمولا در قالب چالش‌های ترافیکی، آلودگی هوا، اجتماعی و خطرات تصادفات مطرح می‌شود. به کراچی برویم، موتورسیکلت‌ها جایگاه ویژه‌ای به خود می‌گیرند. علاوه بر کاربرد شخصی، در حمل‌ونقل عمومی و باربری به‌طور گسترده استفاده می‌شوند. اما متأسفانه به دلیل فاصله زیاد آمار واقعی تا آمار دولتی میزان استفاده از موتورسیکلت‌ها، امکان استناد به آن نیست.
بااین‌حال پژوهشگران معتقدند موتورسیکلت‌ها بخش قابل توجهی از سیستم حمل‌ونقل شهر کراچی را تشکیل می‌دهند و تقریبا ۵۲ درصد از کل در حمل‌ونقل مسافران را بر عهده گرفته‌اند. علاوه‌براین، موتورسیکلت‌ها ۵۵ درصد وسایل نقلیه ثبت‌شده در کراچی را تشکیل می‌دهند که نشان‌دهنده برتری آنها در چشم‌انداز حمل‌ونقل شهر است. در ایران، طبق آمار رسمی ۱۲ میلیون موتورسیکلت در کل کشور وجود دارد. اگر بخواهیم دستاورد حضور این ۱۲ میلیون موتورسیکلت را به‌طور سرچشمه‌نگاهی ببینیم، متوجه می‌شویم که ۴۶ درصد (بیشترین آمار) گشته‌شگان تصادفات، درصدمت‌فامه‌امسال در تهران، ۴۷ درصد مصدومان حوادث ترافیکی در ییزه، ۳۴ درصد تصادفات منجر به فوت در کرسدستان و ۵۰ درصد رایجاتن تصادفات درون شهری در زنجان همگی مربوط به موتورسواران است. این آمار کاملا صعودی و تعداد راکبان موتورسیکلت نیز لحظه به لحظه در حال افزایش است. موتورسیکلت‌ها به یکی از رایج‌ترین و پرخطرترین وسایل حمل‌ونقل در تهران تبدیل شده‌اند. صدای دائمی موتورسیکلت‌ها در گوشه و کنار خیابان‌ها و پیاده‌روها تنها نشانه‌ای از بحران نهنفته‌ای است که تهران را در خود فروبرده است. اما چرا تا چشم کار می‌کند موتورسیکلت در شهر تهران می‌بینیم؟ ترافیک، سنگینی ناشی از حضور اجباری پشت خودروی مقابل، فرار از اتلاف زمان، نابردن به سرعت برای رسیدن به مقصدهای موقت و دائمی، کوتاه‌بودن شبانه‌روز برای پاسخ به نیازهای معاش روزانه، نفوذ بدون محدودیت در بیشتر معابر خودرویی و پیاده در کنار قابلیت مانور و همچنین فقر، افزایش تورم و کاهش توان اقتصادی خانوار از یک سو و سوی دیگر سردرگمی مدیریت شهری، دولت و سازمان‌ها و ارگان‌های دخیل و شریک در «بحران ترافیک» تهران، عدم شناخت صحیح بحران ترافیک و ابعادش و به تیغ آن اجرای پاسخ‌های نادرست، به‌ویزیکاری سیاست‌کنه «از این سوتن تا آن ستون فرج است» از جانب مدیریت شهری برای چالشی که نیازمند برنامه‌ریزی بلندمدت است و پذیرش ذهنی رهاندگی موتورسیکلت از طرف مسئولان دخیل در این بحران سبب شده است فقط در شهر تهران بیش از چهارمیلیونو ۳۰۰ هزار موتورسیکلت تردد کند. یعنی ۳۶ درصد از کل موتورسیکلت‌ها کشور در پایتخت است که از این میزان بیش از نیمی از آنها فرسوده هستند. نکته قابل توجه این است که هر موتورسیکلت فرسوده، ۱۳ تا ۱۸ تا یک خودروی معمولی آلودگی تولید می‌کند. البته کارخانه‌های تولید موتورسیکلت نیز با تسهیلات‌های بلندمدت مشوق‌هایی برای مردم ایجاد کرده‌اند که به گسترده‌شدن این چرخه معیوب کمک کرده است. قابل ملاحظه است‌که هرچقدر توان اقتصادی خانوار کمتر شود و از سوی دیگر قیمت بنزین افزایش یابد، کند، میل و رغبت بسیار بیشتری نسبت به موتورسیکلت‌ها شکل بگیرد. در واقع جبر زندگی روزمره در کنار بقیه رزویایی که گفته شد، اختیار تجربه زیست سالم را هم از راکبان موتورسیکلت و هم از شهروندان سلب کرده است. در بسیاری از محورهای پایتخت، موتورسیکلت‌ها مانند سونامی غیرقابل پیش‌بینی فقط از بالا نیند، از روبه‌رو، از پشت گوش و هرجایی که روزنه‌ای پیدا کنند شما را با خودشان به هر طریقی درگیر می‌کنند. به عنوان مثال، صدای موتورسیکلت و بوق آن در پیاده‌رو و پیاده‌راه‌های ساخته‌شده می‌تواند شهروند را ناخودآگاه برای هر اتفاق غیرمنتظرانه آماده کند. در واقع شهروند نمی‌داند موتورسیکلت فقط قصد عبور دارد، می‌خواهد موبایل یا کیف او را به سرقت ببرد، او را مورد آزار قرار بدهد یا با او اصابت کند. همین اتفاق در فضاهای عمومی دیگر هم قابل شکل‌گیری است. یک نمونه دیگر اینکه شهروند در خودرو است. شهروندی که به واسطه ترافیک کلافه‌کننده مجبور است ساعات‌ها در خودروی شخصی برای سفرهای روزانه محبوس باشد و توانایی جنبش و حرکتی هم نداشته باشد. حتی این شهروند به‌اصطلاح محبوس‌شده در خودرو هم از این سونامی در امان نیست و مجبور است علاوه بر قفل‌کردن در خودرو، با هر صدای موتورسیکلت‌ک حالت آماده‌باش به خودش و خودرو خود بدهد. سلسله تسلط‌ها پشت سر هم و بی‌مربودن سطح نفوذ این وسیله نقلیه و پاسخ غلط به این بحران سبب شده است صدای زیست سالم و شهرسازی انسان‌محور بیشتر در نظریه‌های کاغذی برنامه‌ریزی شهری و مدیریت شهری شنیده شود و در مقابل صدای عابری پیاده به عنوان عالی‌ترین و مهم‌ترین عنصر زنده و حیات‌بخش شهر شنیده نشود. در صورت ادامه روند کنونی، سهم موتورسیکلت‌ها از آلودگی هوا، به‌هم‌ریختگی شهری و اجتماعی و تصادفات درون شهری به صورت ویرانگری صعودی خواهد بود و دامنه اشباع‌شدن محلات و محورهای ارتباطی گسترده‌تر خواهد شد و همچنین باعث تشدید استرس‌های اجتماعی و رفتارهای پرخطر نیز می‌شود. می‌توان گفت اگر ریل تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری تغییر نکند، تهران به سمت وضعیت هولناک دهلی یا کراچی حرکت خواهد کرد. اما به دلیل پتانسیل‌های بنیادین شهر و ساکنانش می‌توان امیدوار بود که تهران مسیر متفاوتی از طی کند که البته این تغییر مشروط به تغییرات اساسی در سیاست‌گذاری‌ها و سبک مدیریت شهری است. این تغییرات با اقدامات نمایشی و تزینسی راه به جایی نمی‌برد و باید در کنار محدودیت‌های پلکانی، بلندمدت و همه‌جانبه که برای موتورسیکلت‌های بنزینی اتخاذ می‌شود، هم‌زمان از بودجه‌ها و برنامه‌ریزی توسعه بزرگراه‌ها، پل‌ها و محورهای خودرویی و موتوروی به‌شدت کاسته و چند برابر آن (برای جبران عقب‌ماندگی) به برنامه‌ریزی شهری انسان‌محور و اجرای آن اختصاص دهند و در کم‌بم‌عدی توسعه حمل‌ونقل عمومی را هم به عنوان یکی کاتالیزور مهم همراه کنند. این مسیر همان مسیری است که شهرهای توسعه‌یافته مثل کپنهاگ دانمارک و آمستردام هلند برای توسعه‌یافتگی از آن عبور کردند و شهرهای درحال‌توسعه نیز مجبور به عبور از آن هستند.



«مشکل ما در وضع قوانین کشور این است که درحال حاضر غلبه قانون‌گذاری بر طرح‌محوری است نه لایحه‌محوری. اشکال آنجاست که قانون اساسی محوریت تقنین را به لایحه داده که فرایند کارشناسی دقیق‌تری داشته و الزامات مالی و اجرایی آن نیز دقیق‌تر لحاظ می‌شود». این بخشی از اظهارات مجید انصاری، معاون حقوقی ریاست‌جمهوری است که مدتی پیش در جلسه هماهنگی بررسی طرح‌ها و لوایح حوزه زنان بیان شد. او در جلسه یادشده از نمایندگان خواسته بود که به‌جای ارائه طرح، لایحه‌محوری را در فرایند تقنینی‌کشور در اولویت قرار دهند. اما انصاری در شهروپروماه و در

ارتباط قانون‌گذاری و نوع نظام سیاسی

بیژن عباسی، معاون قانون اساسی معاونت حقوقی ریاست‌جمهوری، در گفت‌وگو با «شرق» تاکید می‌کند: «قانون اساسی اعلام کرده است که چهار نهاد منشأ پیشنهاد قانون هستند؛ لایحه مصوب هیئت دولت، طرح مجلس، لایحه قضائی قوه قضائیه و طرح شورای عالی استان‌ها که در حوزه کار شوراهای محلی است. این طرح‌ها یا مستقیما تقدیم مجلس می‌شود یا اینکه به دولت داده شده و از طریق دولت راهی مجلس می‌شود. بنابراین تنها لوایح مصوب هیئت دولت و طرح نمایندگان مجلس، به صورت مستقیم به مجلس تقدیم می‌شود». او به این موضوع هم اشاره می‌کند که در کشورهای دارای نظام پارلمانی مانند انگلیس و کشورهایمانند فرانسه که دارای نظام نیمه‌ریاستی-نیمه‌پارلمانی هستند، ۸۰ تا ۹۰ درصد قوانین مصوب مجلس، در عمل ناشی از لوایح پیشنهادی دولت است؛ «به بیان دیگر انتخاباتخ در کشورهای دموکراتیک به صورت حزبی است و احزاب درباره مشکلات کشور اقدام به آسیب‌شناسی کرده و در زمان انتخابات راهکار ارائه می‌دهند. از سوی دیگر در این کشورها دولت برآمده از حزب اکثریت در مجلس است. در نتیجه راهکارهایی که حزب ارائه داده، از طرف دولت تبدیل به لایحه و تقدیم مجلس می‌شود. مجلس هم بعد از انجام بررسی‌های لازم لایحه را تبدیل به قانون می‌کند.» به گفته عباسی با توجه به اینکه در کشور ما انتخابات حزبی نیست و برای مجلس و دولت، دو انتخابات متفاوت برگزار می‌شود، مباحثی بر سسر اینکه باید قانون‌گذاری لایحه‌محور باشد یا طرح‌محور ایجاد می‌شود. اتفاقی که در نظام‌های مبتنی بر احزاب رخ نمی‌دهد. این استاد حقوق اساسی تاکید می‌کند: «یکی دیگر از دلایل اهمیت لوایح آن است که نمایندگان مجلس هر چهار سال یک بار تغییر می‌کنند و مشخص نیست که در دوره بعد هم انتخاب شوند یا خیر. محل فعالیت آنها هم تهران است. اما کارشناسان وزارتخانه‌ها و سازمان‌های دولتی سال‌ها در حوزه مربوطه فعالیت تخصصی می‌کنند و با اقصی نقاط کشور در ارتباط هستند. درنتیجه شناخت بهتری از مشکلات و راهکارها دارند. همچنین دولت کارشناسان، امکانات و آمارهای دقیق‌تری را در اختیار دارد که بر اساس آنها می‌تواند پیشنهاد قوانین متناسب با نیاز کشور را ارائه دهد. به همین دلیل اصل ۷۵ قانون اساسی تاکید کرده که اگر طرح نمایندگان مجلس منجر به افزایش هزینه‌ها و کاهش درآمدهای دولت شود، باید راهکاری را برای پوشش یا کاهش هزینه یافته‌شده پیش‌بینی کنند.»

ترجیحی میان طرح یا لایحه نیست

به گفته عباسی، در قانون اساسی و سیاست‌های کلی نظام قانون‌گذاری مصوب ۱۳۹۸ ترجیحی درباره لایحه یا طرح نیست؛ «البته مجلس می‌گوید تقنین در کشور ما بیشتر بر پایه لوایح است اما من با این موضوع موافق نیستم، بلکه فکر می‌کنم نسبت تصویب قوانین مبتنی بر طرح و لایحه به صورت ۵۰-۵۰ باشد یا حتی با بیشتر باشد. البته این آمار را باید از مجلس گرفت. اما نکته مهم آن است که در جهان به صورت عملی منشأ تصویب قوانین، لوایح پیشنهادی دولت است». او با اشاره به اینکه نظام سیاسی کشور ما شبیه به نظام نیمه‌ریاستی-نیمه‌پارلمانی است، اظهار کرد: «نوع تفکیک قوا در قانون اساسی ما برگرفته از قانون اساسی فرانسه است که در این نظام‌های سیاسی ازجمله در ایران، دولت هم می‌تواند لایحه ارائه دهد. اما در کشورهای دارای نظام ریاستی، تفکیک قوا مطلق است و صفر تا صد قانون‌گذاری با مجلس است. این را هم توجه کنید که تعداد نظام‌های ریاستی در جهان کم است و غالب کشورها یا پارلمانی هستند یا نیمه‌ریاستی-نیمه‌پارلمانی.»

عباسی به موضوع لایحه قضائی مصرح در اصل ۱۵۸ قانون اساسی هم اشاره می‌کند: «لوایح قضائی مرتبط با قضاوت هستند؛ یعنی به مسائل دادگاه‌ها و آیین دادرسی در آنها می‌پردازند، بنابراین نمی‌توان گفت هر لایحه‌ای که مرتبط با مجازات باشد، قضائی است. به‌عنوان مثال لایحه حجاب، قانون مجازات اسلامی و… مبتنی بر لوایح قضائی نبوده‌اند. لوایح قضائی را رئیس قوه قضائیه برای تصویب و ارائه به مجلس، تقدیم دولت می‌کند. اگر دولت می‌تواند مهلت مقررشده در قانون اقدامی نکرد، رئیس قوه قضائیه حق دارد آن را مستقما به مجلس ارسال کند.»

حدود اختیارات مجلس در اصلاح لوایح

مشخص‌نیست

این حقوق‌دان در پاسخ به این سؤال که «مجلس یازدهم، ۱۵ ماده لایحه حجاب را تبدیل به ۷۱ ماده کرد، آیا می‌توانیم بگوییم که این لایحه تبدیل به طرح شده و مجلس حق داشته که تا این میزان لایحه را تغییر دهد؟» می‌گوید: «بند ۶ سیاست‌های کلی نظام قانون‌گذاری بر تعیین حدود اختیارات مجلس در اصلاح لوایح تاکید می‌کند اما بر رعایت اهداف لایحه، تاکنون قانونی تصویب

طرح یا لایحه؛ مسئله این است؟

فرایند قانون گذاری در کشور بهتر است لایحه‌محور باشد یا طرح‌محور؟



شادی مکی

طرح، به چه علت است و اصولا طرح‌محور یا لایحه‌محور بودن قوانین چه نسبتی با استیفا حقوق ملت دارد؟

نشده است که به مجلس اجازه دهد لایحه‌ای را چنان اصلاح کند که از لایحه تبدیل به طرح شود. با این حال هنوز حدود و نفور اختیارات مجلس برای اصلاح یک لایحه تعیین و تصویب نشده است، درحالی‌که بر اساس سیاست‌های کلی نظام قانون‌گذاری مجلس باید درباره این موضوع هم اقدام به قانون‌گذاری کرده و حدود و رادر در این حوزه مشخص کند. البته توجه کنید که رهبری هم در یکی از سخنرانی‌هایشان تاکید داشتند که بهتر است وضع قوانین لایحه‌محور باشد». او این را هم می‌گوید که هم رئیس جمهور و هم نمایندگان مجلس سوگند خورده‌اند که پاسدار حقوق ملت باشند؛ «بنابراین طرح‌ها و لوایح باید مبتنی بر حقوق ملت باشد. این نکته مهم است که همه نمایندگان از طریق آرای مردم به مجلس راه پیدا می‌کنند، اما در دولت تنها رئیس جمهور منتخب مردم است، به همین دلیل هم مجلس باید توجه بسیار زیادی به پاسداری از حقوق مردم داشته باشد.»

اولویت لایحه در مسائل قضائی

دانیال کرآنیان، حقوق‌دان و وکیل دادگستری نیز معتقد است درباره مسائل عام کشور نمی‌توان گفت که قانون اساسی لایحه‌محور است. او در گفت‌وگو با «شرق» توضیح می‌دهد: «اصل ۷۱ قانون اساسی تاکید می‌کند که مجلس شورای اسلامی در عموم مسائل در حدود مقرر در قانون اساسی می‌تواند قانون وضع کند، بنابراین در این اصل، قانون اساسی محدودیتی برای مجلس قائل نشده و نمایندگان می‌توانند برای عموم مسائل کشور قانون‌گذاری کنند. اما درباره مسائل قضائی مسئله کمی متفاوت است. توجه کنید که در بند ۲ اصل ۱۵۸ قانون اساسی یکی از وظایف رئیس قوه قضائیه تهیه لوایح قضائی متناسب با جمهوری اسلامی عنوان شده است.» او اضافه می‌کند: «بنابراین می‌توان قائل به این تفسیر بود که درباره مسائل قضائی، قانون اساسی اولویت را به لایحه داده است. به نظر من نگاه قانون اساسی دراین‌باره تا حدود زیادی درست بوده است؛ زیرا قانون‌گذاری مبتنی بر طرح مجلس، در حوزه مسائل قضائی معمولا دقیق و خوب نیست و همه مصالح در این طرح‌ها در نظر گرفته نمی‌شود. مسائل قضائی پیچیدگی‌های خاص خود را دارند، بنابراین تدوین‌کنندگان قوانین در این حوزه باید افرادی باشند که از نزدیک مسائل قضائی را لمس کرده و با آن آشنایی داشتند باشند. به همین دلیل معتقدم که بهتر است در مسائل قضائی، قانون‌گذاری از طریق لایحه انجام شود». این حقوق‌دان ایجاد کند که چنین مسئله‌ای ماهیت قضائی ندارد. هم می‌توان از غلبه لایحه بر طرح گفت؛ «مثلا درباره لایحه بودجه همواره روال بر ارائه لایحه از سوی دولت بوده است، زیرا دولت از هزینه و درآمد کشور مطلع است، بنابراین با توجه به اقتضانات، پیشنهاد اولیه قانون را می‌دهد. البته وقتی لایحه‌ای از طرف دولت یا قوه قضائیه تقدیم مجلس می‌شود، ممکن است در مجلس مورد جرح و تعدیل و تغییر هم قرار گرفته و این نهاد دیدگاه خود را اعمال کند.»

قانون باید تبلور اراده جامعه باشد

او با اشاره به اینکه معاون حقوقی رئیس جمهور بر ضرورت غلبه لایحه‌محوری بر طرح‌محوری در نشستنی مرتبط با حوزه زنان هم صحبت کرده است، ادامه می‌دهد: «بر اساس تفسیر شورای نگهبان از اصل ۱۵۸ قانون اساسی، دولت نمی‌تواند درباره مسائل قضائی رأسا لایحه تدوین و به مجلس تقدیم کند. اما قوانین مصوب در حوزه زنان لزوما ماهیت قضائی ندارند. مثلا ممکن است دولت بخواهد امکاناتی در زمینه اشتغال زنان ایجاد کند که چنین مسئله‌ای ماهیت قضائی ندارد. اما اگر مثلا قرار باشد در حوزه خشونت علیه زنان جرم‌انکاری شود، موضوع جنبه قضائی دارد و باید از طرف قوه قضائیه و در قالب لایحه قضائی تدوین و از طریق دولت به مجلس پیشنهاد شود.» کرآنیان بر نقش جامعه مدنی در فرایند قانون‌گذاری هم تاکید می‌کند: «قانون باید تبلور اراده جامعه باشد، به همین دلیل هم جامعه مدنی می‌تواند در قانون‌گذاری نقش داشته باشد؛ یعنی از طریق سازوکارهای مختلفی که وجود دارد، نهادهای مربوطه می‌توانند نظرات جامعه مدنی را درباره پیشنهاد یک قانون در مسئله‌ای خاص کسب کنند. درباره تصویب قوانین حمایتی در حوزه زنان

هم در سال‌های اخیر شاهد تلاش فعالان حوزه زنان برای نقش آفرینی در این حوزه بوده‌ایم. اما نکته آن است که نباید نقش آفرینی جامعه مدنی را محدود به یک گروه یا قشر خاصی از جامعه بدانیم. به‌عنوان مثال اگر قرار است لایحه حمایت از زنان در برابر خشونت در مجلس تصویب شود، باید در کنار نظرات فعالان حقوق زنان، به نظر مردان هم توجه شود؛ زیرا چنین قانونی تنها زنان را تحت تأثیر قرار نمی‌دهد، بلکه بندها یا موادی از این قانون مستقیما مردان را هم تحت تأثیر قرار می‌دهد. بنابراین قانون باید تبلور اراده تمام جامعه باشد تا توازن و تعادل در قانون‌گذاری حفظ شود.»



اینترنت در مشت کودکان

پیمایش به‌خوبی تفاوت بین ۹ ساله‌ها و ۱۷ ساله‌ها در آغاز سن استفاده از اینترنت به خوبی مشاهده می‌شود و نشان می‌دهد هرچه به سنین پایین‌تر می‌آیم، سن آغاز دسترسی به اینترنت نیز کمتر می‌شود. میانگین سن شروع استفاده از اینترنت در بین ۱۷ ساله‌ها ۱۲٫۵ سال و در بین ۹ ساله‌ها ۸٫۳ سال بوده است. با این حال، می‌توان مشاهده کرد که در این نسل، سن دسترسی به اینترنت و استفاده از آن، به سال‌های پس از آغاز تحصیل عمومی بازمی‌گردد. روند کاهشنی سن استفاده از اینترنت در همین نسل، نشان می‌دهد که این روند همچنان ادامه دارد و در نسل آلفایعنی متولدان ۱۳۹۱ به این سن، سن استفاده از اینترنت باید به پیش از مدرسه رسیده باشد. این نسل، وقتی به مدرسه می‌رود، اینترنت را خوب می‌شناسد، در آن جست‌وجو می‌کند، اپلیکیشن‌های مورد علاقه‌اش را دانلودو می‌کند، حتی به پدر و مادر خود مشاوره بازمی‌دهد، با شبکه‌های اجتماعی آشناست و این روزها، با هوش مصنوعی ارتباط گرفته است. در پیمایش سال ۱۴۰۰ که مربوط به نسل زد بود، یافته‌ها نشان می‌دهد که بیشتر پاسخ‌گویان، در طول روز به اینترنت دسترسی داشتند؛ به طوری که ۵۱٫۷ درصد در طول روز حداقل یک بار در اینترنت حضور دارند. ۲۷٫۵ درصد از آنان در طول روز چندین بار و ۱۰ درصد تمام‌وقت به اینترنت دسترسی دارند و می‌توانند از آن استفاده کنند. بسیاری از آنان (۳۶٫۵ درصد) هر زمان که بخواهند به اینترنت دسترسی دارند. ۲۸٫۳ درصد اغلب اوقات و ۲۸٫۶ درصد گاهی اوقات به اینترنت از ورود به مدرسه تجربه می‌کنند، ندارد.

نگاه

فرهنگستان علوم پزشکی به مرجعیت علمی پشت کرده؟

شرق: علیرضا مرندی، رئیس فرهنگستان علوم پزشکی، در جلسه هیئت امنای فرهنگستان‌ها در دولت چهاردهم در حضور عارف، معاون اول ریاست‌جمهوری، در حالی از بی‌توجهی مسئولان نظام سلامت بر عدم اجرای ۱۱ بخش‌نامه فرهنگستان علوم پزشکی و راهکارهای علمی او گلایه کرد که یکی از بخش‌نامه‌های دستوری این فرهنگستان درباره داروهای بیمارستانی که چندی پیش توسط سازمان غذا و به اجرا درآمد، داد اعتراض شش تشکل دارویی کشور را مبنی بر غیرعلمی‌بودن آن درآورد. اگرچه عارف در همان جلسه طی اظهاراتی، تاکید کرد: فرهنگستان‌ها یک نهاد راهبردی علمی برای کمک به دولت در حل مشکلات هستند و به رغم آنکه چه نظریه‌ای برای حل مشکلات ارائه می‌دهند، نباید به دنبال اینکه یک تصمیم اجرایی می‌شود یا خیر، باشند. طی ماه‌های اخیر، گزارش‌های متعددی از دخالت فراینده فرهنگستان علوم پزشکی در تصمیم‌گیری‌های حوزه دارو و سلامت منتشر شده که به نظر می‌رسد به موزات اختیارات قانونی وزارت بهداشت انجام می‌گیرد. این دخالت‌ها به‌ویژه از آن رو نگران‌کننده شده است که وزارت بهداشت به عنوان مرجع اصلی سیاست‌گذاری در این عرصه، عملا با رقبی روبرو است که مدعی ارائه «راهکارهای شگفت‌انگیز» برای کاهش هزینه‌های نظام سلامت تا نصف است. اما پرسش اساسی این است که آیا این مداخلات غیررسمی می‌تواند منجر به آسیب جدی بر ساختار تصمیم‌گیری دارویی کشور شود و در نهایت سرنوشت صنعت داروسازی داخلی و سلامت مردم را با خطر مواجه کند؟ و چرا باید از بودجه سلامت مردم همیشه خرج کرد؟ بدون در نظر گرفتن بخش‌نامه‌ها و راهکارهای شگفت‌انگیز فرهنگستان علوم پزشکی، آنچه پیش‌تر از سوی مجامع علمی و دانشگاه‌ها در هر کنگره و نشست علمی مطرح می‌شود، خالی‌شدن این مرجع علمی از متخصصان و خبرگان فن است. تا جایی که به گفته رسول دیناروند، استاد دانشگاه، در کشور ما فرهنگستان علوم پزشکی تقریبا از حضور دانشمندان تهی شده است. این در حالی است که عمده افرادی که در آن حضور دارند، شاید چهره‌های شناخته‌شده‌ای باشند، اما فعالیت‌هایشان لزوما علمی نیست و این‌رویه منطقی به نظر نمی‌رسد. دیناروند معتقد است؛ مشکل جدی فرهنگستان علوم پزشکی آن است که به‌جای آنکه محلی برای تجمع و تبادل نظر دانشمندان این حوزه باشد، کارکرد اصلی خود را از دست داده است و ظاهرا اعتقادی نیز به ضرورت حضور متخصصان وجود ندارد. برخی از بیانیه‌هایی که از این نهاد صادر می‌شود، نشان می‌دهد که بر شواهد علمی استوار نیستند. به عنوان مثال، درباره بیانیه‌ای که در مورد داروهای بیمارستانی منتشر شد، ایشان معتقد بودند نظام سلامت ایران به دلیل سیاست‌های عدم اجرای نظام تزئیک منحرف شده و دچار مشکل است. درحالی‌که در آمریکا، ایران و بسیاری از کشورهای دیگر، سیاست‌های دارویی مبتنی بر تزئیک رایج است. رهاکردن این سیاست می‌تواند باعث ورشکستگی نظام سلامت و حتی زیان‌های کلان برای کشور شود. بیم آن می‌رود که این‌گونه فشارهای موزای، استقلال وزارت بهداشت را تضعیف کرده و روند سیاست‌گذاری در حوزه دارو را از ریل کارشناسی خارج کند. حتی در برخی تصمیم‌گیری‌ها در حوزه دارو گفته شده است که اسناداتی که استخوان در نظام دارویی کشور خرد کرده‌اند، در صورت مخالفت با برخی بخش‌نامه‌ها و تفکرات حاکم، دیگر به جلسات خوانده نمی‌شوند و عملا درهای گفت‌وگو و تبادل نظر علمی به روی آنان بسته شده است. تصور کنید در شرایطی که وزارت بهداشت باید بر اساس شش‌ماهه بخش اعظمی از خطوط دارویی کشور را که فقط ۲تا از آنها دارای استاندارد GMP است، صاحب این استاندارد کنند. شفافیت در قیمت‌گذاری، تشدید نظارت بر کیفیت بهبود ساختار بیمه‌ها، ایجاد فضای رقابتی سالم و حمایت از R&D در صنعت داروای و ارتقای اعتماد عمومی منجر شوند. هیچ‌یک از اینها نیازمند تعطیل‌کردن هویت تجاری داروها یا قطع بازرگانی در یک نزاع فرسایشی میان فرهنگستان و وزارت بهداشت نیست.